



معرفی نسخه خطی تحفة الفتی فی تفسیر سوره هل أتى

پروین بهارزاده*



تحفة الفتی فی تفسیر سوره هل أتى، تفسیری است موجز و فشرده از سوره «انسان» و سرشار از اصطلاحات فلسفی و اشارات عرفانی، اثر «غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی» متعلق به سده دهم هجری. شاید بتوان این تفسیر را مصداق بارز تفسیر فلسفی به معنای واقعی دانست. تفسیری که مفسر با بکارگیری قواعد و اصول فلسفی به تفسیر آیات پرداخته است. با علم به اینکه بسیاری از تفاسیری که امروزه گاه در زمره تفاسیر فلسفی معرفی شده اند، در حقیقت تنها تفاسیری عقلانی هستند. مقاله حاضر به معرفی اختصارگونه مفسر و مندرجات این تفسیر پرداخته است.

«غیاث الدین منصور دشتکی» ملقب به استاد بشر، عقل حاد و ثالث معلمین^۱، در سال ۸۶۶ هـ. ق (۱۴۱۶ م/ ۸۴۰ هـ. ش) در شیراز متولد شد. وی از جمله فلاسفه ای است که با تأثیر پذیری از حکمت بوعلی و در هم آمیختن حکمت مشائی و اشراقی، در شکل گیری عناصر اولیه حکمت متعالیه صدرائی سهمی بسزا داشت. به تعبیر استاد «مطهری»، مشعل فروزان حکمت و فلسفه در قرن نهم و دهم از دست فیلسوفانی همچون «محقق دوانی»، «صدرالدین محمد دشتکی» و فرزندش «غیاث الدین منصور به دوره اصفهان، «میرداماد» و «ملاصدرا» می رسد.^۲

از مهمترین ویژگیهای شخصی «غیاث الدین منصور» جامعیت در علوم بود. وی در ادبیات، منطق، کلام، فلسفه، طب، تفسیر، ریاضیات، هیئت و نجوم، عرفان و اخلاق، فقه و اصول و حتی علوم غریبه صاحب نظر بوده و در همه این زمینه ها، تألیفاتی عمیق دارد. فهرست تألیفات وی از قرار زیر است:

- در شاخه عرفان نظری، ۲ اثر به نامهای: رساله فی السیر و السلوک و مقالات العارفين.
- در شاخه عرفان عملی، ۴ اثر به نامهای: آداب البحث و

* دکترای علوم قرآنی و حدیث و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (ع)

المناظرة؛ اخلاق منصورى؛ الحكمة العملية و التصوف و الأخلاق ■ در شاخه قرائت و تفسیر قرآن و ادعیه، ۶ اثر به نامهای: آداب قرائت قرآن؛ تحفة الفتی فی تفسیر سوره هل أتى؛ رساله فی حقیة المعراج یا تفسیر آیه سبحان الذی أسرى؛ التهليلیة؛ الحاشیة على اوائل الکشاف؛ مطلع العرفان؛ شرح الصحیفة الکاملة.

■ در ریاضیات (حساب و هندسه)، ۶ اثر به نامهای: الأساس؛ التبصرة فی المناظر؛ تکملة المجسطی؛ شرح أشكال التأسيس؛ کفاية الطلاب فی علم الحساب؛ ضوابط الحساب.

■ در هیئت و نجوم آثارى با نامهای: تحفة شاهى؛ الجهات؛ الحاشیة على شرح الملخص؛ رساله فی تسطیح الأسطرلاب؛ سفیر الغبراء و الخضراء؛ اللوامع و المعارج؛ معرفة القبلة.

و به همین ترتیب در علم پزشکی، ۳ اثر؛ در منطق و متدولوژی ۵ اثر؛ در فلسفه و کلام و عقاید، ۱۶ اثر؛ در معانی و بیان (ادبیات)، ۲ اثر و بالاخره ۲ رساله چند دانشی به نامهای جام جهان نما و الرد على نموذج العلوم الدوانیه، به رشته تحریر درآورده است.

مندرجات تفسیر

مفسر کوشیده است تا ضمن تفسیر آیات سوره انسان، علاوه بر اینکه متذکر آراء دیگر مفسرین شده، مطالب بکر و کشفیات خویش را که غالباً رنگ و بوی فلسفی-عرفانی دارد، در قالب جملاتی کوتاه و اشارت گونه ارائه دهد. در مواردی چند تفصیل مطالب را به دیگر رساله های خویش حواله کرده و درک عمیق آنها را مشروط به داشتن ذوقی سلیم و فهمی مستقیم دانسته است و بدین ترتیب، نگارش تفسیری خویش را اینگونه سامان بخشیده است: با ذکر مقدمه ای کوتاه در بیان اهمیت معرفة النفس (انسان شناسی) آغاز می کند و متذکر می شود که در صدد است در پرتو آیات این سوره به تبیین برخی حالات روحانی (آلام و لذات

معنوی) پردازد، علی‌رغم اینکه منکر ظهور این آیات در جسمانیات نیز نمی‌باشد. آنچه‌انکه دأب کتب عرفانی است، مطالب را ذیل عناوین «المشرق» نظام داده و تمامی رساله را مشتمل بر ۲۶ مشرق نموده است. در هر مشرق پس از ذکر یک یا چند آیه ابتدا به شرح مفردات آن می‌پردازد، آنگاه متعرض آرای دیگر مفسرین شده و ضمن انتقاد بر برخی آراء، نظر خویش را به اجمال و گاه به تفصیل عنوان می‌سازد. در خلال بیانات گاه به آیات دیگر قرآن استناد می‌کند و آنگاه که متذکر روایات و اخباری گردد با طرح یک یا چند اصل فلسفی و گاه حتی ادبی، به صورتی ضمنی، پذیرش یا عدم پذیرش خویش را از مفاد روایت تبیین می‌کند و در مواردی نیز به تأویل آن می‌پردازد.

در تمام طول تفسیر، آنچه به وضوح قابل مشاهده است، استدلالها و استنتاج‌های او از آیات بر اساس مبانی و اصول فلسفی است. به عنوان نمونه؛ پس از تفسیر آیات اول و دوم متذکر می‌شود که فلاسفه، مبادی حوادث را عبارت از پنج علت: عدم، فاعل، غایت، صورت و ماده شمرده‌اند و انسان نیز مانند هر حادث دیگر مرکب از این مبادی پنجگانه است که همگی در آیات اول و دوم بدین ترتیب ملحوظ می‌باشند: اصل «عدم» در آیه اول و عبارت «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً»؛ اصل «فاعل» و «ماده» در آیه دوم و عبارت «أَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ»؛ اصل «غایت» در عبارت «نَبْتَلِيهِ» و سرانجام اصل «صورت» در عبارت «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً» و در ادامه اذعان می‌کند که آیات فوق اجمالاً مثبت سه مطلب کلی است:

۱. حدوث انسان و نفی از لیت

۲. تقدّم ماده بر صورت

۳. بطلان تناسخ.

عمده تفاسیری که مورد استناد مؤلف بوده و یا از آنها تأثیر پذیرفته است عبارتند از:

التفسیر الکبیر امام فخر رازی؛ الکشاف زمخشری؛ البسیط واحدی و غرائب القرآن نیشابوری. در این میان، سه تفسیر اول را صراحتاً نام می‌برد، لیکن علی‌رغم برداشت عباراتی مفصل از تفسیر غرائب القرآن به نام این تفسیر اشاره نمی‌کند.

نسخ موجود

در تصحیح این رساله از چهار نسخه به شرح زیر استفاده شده است و با توجه به اینکه هیچیک از نسخه‌ها، خط مؤلف نمی‌باشد، تصحیح به شیوه التقاطی (تلفیقی) صورت گرفته است:

۱. نسخه اول (با رمز الف)، رساله هفتم از مجموعه رسائلی

است به شماره ۷۵۸ د. متعلق به کتابخانه الهیات و معارف اسلامی، که در ۳۵ برگ ۱۴ سطری با عنوان‌ها و آیات شنگرف، در نهم ربیع الآخر سال ۹۹۰، توسط «نجم الدین محمود بن قاسم علی» نگارش یافته است.

۲. نسخه دوم (با رمز ت)، رساله دوم از مجموعه رسائلی به شماره ۳۵۷۵ متعلق به کتابخانه ملی تبریز، در ۲۶ برگ ۱۹ سطری با عنوان‌ها و آیات شنگرف توسط «ابومحمد، سلیمان بن محمد القاری» نگارش یافته است. تاریخ کتابت معلوم نیست و نسخه نیز فاقد صفحات اول، نهم و دهم است.

۳. نسخه سوم (با رمز د)، رساله دوم از مجموعه رسائلی است به شماره ۷۲۲۴ متعلق به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران که در ۲۰ برگ ۱۷ سطری توسط «اسماعیل بن حاجی ملا خداد» در ششم محرم سال ۱۲۲۶ هـ. ق تحریر یافته است.

۴. نسخه چهارم (با رمز ش)، در ۳۱ برگ، ۱۵ سطری متعلق به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به شماره ۸۰ توسط «محمد بن حسین بن شمس الدین» نگارش یافته است و فاقد تاریخ تألیف می‌باشد.

این نسخه توسط صاحب الذریعه، تحت عنوان تفسیر سوره انسان به «ملا شمسایلیانی» منسوب شده است. همچنین جناب آقای منزوی که گردآوری فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را بر عهده داشته‌اند، ضمن معرفی این نسخه، مؤلف آنرا احتمالاً «ملا شمسایلیانی» دانسته است.^۲ مقایسه این نسخه و نسخ سه گانه پیشین به این نتیجه می‌انجامد که انتساب فوق‌الذکر قطعاً خطا می‌باشد.

علاوه بر آن، نسخه دیگری نیز از تفسیر سوره انسان به «ملا شمسایلیانی» منسوب شده است که با اندکی تفاوت همین تفسیر تحفة الفتی است.^۴ این نسخه در مجموعه‌ای جنگ مانند با عناوین شنگرف و جدول طلا و مرکب سیاه در تمام صفحات نگارش یافته است و تاریخ نوشتن خصوص این رساله معلوم نیست ولی در طول مجموعه، چندین جا سالهای ۱۰۹۷ تا ۱۱۰۹ ثبت شده است. متأسفانه هیچیک از نسخ، عاری از غلط نیست، هر چند نسخه الف) سالمتر از دیگر نسخه‌ها تشخیص شد، علاوه بر آنکه اقدام و اکمل نسخ نیز بود. لیکن هر چهار نسخه کاستیهای یکدیگر را جبران کردند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. طبقات اعلام الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، ۲۵۴.

۲. شرح مبسوط منظومه، ۲۷۶/۱

۳. فهرست کتابخانه اهدائی سید محمد مشکوة، ۵۳/۱ و الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۳۴۳/۴

۴. فهرست کتابخانه اهدائی سید محمد مشکوة، ۵۴/۱